



## بازپژوهی ابعاد سیاسی موثر با قاچاق و راهکارهای فقهی مبارزه با آن

دکتر احسان علی اکبری بابوکانی<sup>۱</sup>، احسان آهنگری<sup>۲</sup>

---

۱. عضو هیأت علمی و استادیار دانشگاه اصفهان، 22aliakbari@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق دانشگاه تهران

## چکیده

قاچاق کالا که از آفت‌های بسیار مخرب در اقتصاد جوامع است، از عوامل گوناگونی ناشی می‌شود. ابعاد سیاسی در کنار ابعاد فرهنگی و اقتصادی از آن جمله است. در این نوشتار بعد از بر شمردن عوامل سیاسی که به گسترش قاچاق کمک می‌کند، به پی‌جویی راهکارهای فقهی مبارزه با این گونه عوامل پرداخته شده است. عناصر فقهی که می‌تواند در این مجال به کار آید بسیار گسترده است و در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود. تقویت امنیت مرزها، حرمت تسلط بیگانگان بر بازار اسلامی، لزوم توسعه همکاری و هماهنگی با کشورهای همسایه بر پایه تعاون بر برّ و تقوا، احترام به مالکیت خصوصی و عدم ایجاد مانع بر سر راه فعالیت‌های تولیدی و تعیین عادلانه تعرفه‌های گمرکی از جمله راهکارهای فقهی مبارزه با قاچاق است.

**واژگان کلیدی:** قاچاق، فعالیت اقتصادی، عوامل سیاسی قاچاق، راهکارهای فقهی

مبارزه با قاچاق

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

کار و فعالیت اقتصادی اگر به صورت حلال صورت پذیرد مورد تاکید فراوان اسلام است. از دیدگاه برخی اندیشمندان اسلامی کار منشا اصلی کسب ثروت در اسلام است (محمد باقر صدر، ۱۴۲۴ق: ۶۴۱-۶۵۵ و همو، ۱۴۰۳ق: ۴۱-۴۴) و از نظر برخی دیگر حیازت که عبارت دیگری از همان کار است، ام الاسباب المملکه دانسته شده (ایروانی، ۱۴۰۶ق: ج ۱، ص ۶۲). زیرا حیازت همواره به صورت مستقیم است و خود شخصی به حیازت می‌کند مالک می‌شود که با تلاش و فعالیت و به عبارتی کار همراه است. به تعبیر دیگر ملکیت اسباب متفاوتی دارد مانند ارث و عقد و حیازت و... اما در این میان آنچه سبب نخستین و اصلی به شمار می‌رود حیازت است که بر خلاف عوامل دیگر قطعاً نیاز به تلاش و کوشش مستقیم دارد و علت آن که حیازت سبب اصلی است این است که نخستین بار بشر از طریق این عامل مالک شده است. در هر حال هر دو نظر به یک نقطه اشاره دارد و آن این است که بهترین روش برای کسب ثروت از دیدگاه اسلام فعالیت اقتصادی مستقیم و سالم است که از آن به کار تعبیر می‌گردد.

اسلام روی سرمایه و تولید ثروت نگاه ویژه ای دارد، و کشورهای اسلامی برای پیشرفت خویش و ایفای نقشی تاثیر گذار در عرصه‌های بین‌المللی، به این موضوع بیشتر از موضوعات دیگر نیازمندند. ضعفی که اقتصاد ما در برابر تحریم‌های ظالمانه از خود نشان می‌دهد به نوعی معلول فعالیت نامناسب در عرصه تولید است. از حضرت علی (علیه السلام) در بیانی نقل شده است که فرمودند: "تَعَرَّضُوا لِلتَّجَارَاتِ، فَإِنَّ لَكُمْ فِيهَا غَنَى عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ؛ وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ الْمُحْتَرِفَ الْأَمِينَ. الْمَغْبُونُ غَيْرَ مَحْمُودٍ وَلَا مَأْجُورٍ" (حرعاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۷ ص ۱۱) به انواع داد و ستد (و کسب و کار) بپردازید، زیرا از این راه، از مال و منال مردم بی‌نیاز می‌شوید، خداوند بزرگ، صاحب حرفه درستکار را دوست می‌دارد، مغبون (کسی که در زندگی فریب خورده و برای خود تلاشی نکرده است)، نکوهیده است و بی‌پاداش است؛ و نیز امام صادق

(علیه السلام) در این باره می‌فرماید: "مَنْ طَلَبَ التَّجَارَةَ اسْتَعْنَى عَنِ النَّاسِ. قَالَ الرَّأْوِي: قُلْتُ وَ إِنْ كَانَ مُعِيلاً؟ قَالَ: وَ إِنْ كَانَ مُعِيلاً" (کلینی، ۱۴۰۷ق:ج ۵ص ۱۴۸) کسی که به دنبال کسب و کار رود، از مردم بی‌نیاز می‌شود. (راوی گوید: گفتیم اگر چه عیال‌وار باشد؟ فرمود: اگر چه عیال‌وار باشد).

به این ترتیب این نکته که کار و فعالیت اقتصادی سالم ارزش فراوانی دارد قابل انکار نیست. اما در کنار فعالیت سالم و مشروع اقتصادی که به گسترش عدالت و نشاط اقتصادی جامعه کمک شایانی می‌کند، طرق نامشروعی نیز برای کسب ثروت وجود دارد که آثار مخرب فراوانی بر اقتصاد جامعه داشته و در کنار اقتصاد به فرهنگ و امنیت و سیاست نیز آسیب می‌رساند.

## ۱. قاچاق در لغت و اصطلاح

### ۱-۱. قاچاق در لغت

قاچاق اسمی ترکی است و به معنای تردستی، کاری که به پنهانی و تردستی انجام می‌شود. خرید و فروش کالاهایی که در انحصار دولت یا معامله با آنها ممنوع است؛ وارد کردن یا صادر کردن کالاهایی که ورود یا صدور آنها ممنوع است. (عمید، ۱۳۶۳: ۹۳۰)

### ۲-۱. قاچاق در اصطلاح

قاچاق در اصطلاح عبارت است از ورود، صدور، حمل و نقل، انتقال، خرید و فروش، صید و نگهداری اموال ممنوع‌الورود، ممنوع‌الصدور، انحصاری یا موضوع در آمد دولت برخلاف مقررات قانونی و مصوبات دولت.

منظور از قاچاق کالا، خرید، حمل و فروش غیر قانونی یک کالا در قلمرو کشور

است (خلیلیان، ۱۳۸۰: ۲۲)

در قوانین واردات و صادرات ایران، قاچاق کالا عبارت است از ورود و خروج کالاهای موضوع درآمد دولت (مجاز یا مشروط) بدون پرداخت حقوق و عوارض گمرکی و همراه با عدم رعایت ضوابط کالاهای ممنوع (ممنوع قانونی و ممنوع توسط دولت) در قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران. طبق قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی در خصوص قاچاق کالا و ارز (مصوب ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۴ مجمع تشخیص مصلحت نظام) اینگونه اعمال جرم محسوب شده و برای آن مجازات تعیین شده است. (پژویان و مداح، ۱۳۸۵: ۴۷)

پدیده مجرمانه کالا از جرایم سازمان یافته‌ای است که از طریق ارتکاب برنامه ریزی شده اعمال تبهکارانه به انگیزه کسب سود به وقوع می‌پیوندد.

قاچاق از نظر ماهوی به دو صورت انجام می‌شود. گاهی عوامل تجاری غیر قانونی، کالایی را به صورت غیر رسمی و مخفیانه و بدون پرداخت حقوق و عوارض گمرکی و رعایت ضوابط قانونی تجاری وارد کشور کرده و یا از آن خارج می‌نمایند و گاهی عوامل تجاری قانونی، فعالیت تجاری قانونی خود را به عنوان پوششی برای ابرام اعمال متقلبانه در تجارت، مانند دستکاری در اسناد تجاری قرار دهند که به این حالت شبه قاچاق گفته می‌شود.

بر این اساس می‌توان از دو قسم قاچاق نام برد:

۱. قاچاق در تولید کالا
  ۲. قاچاق در تجارت کالا.
- قاچاق در تولید کالا، شامل فعالیت‌های خاص ضروری است، ولی این اقدامات صورت نمی‌گیرد یا شامل فعالیت‌هایی است که در شرایط ممنوع انجام می‌شود.
- قاچاق در تجارت کالا نیز به دو بخش تجارت داخلی و تجارت خارجی قابل تقسیم می‌شود:



الف) تجارت خارجی به صورت قاچاق، مشابه تولید به صورت قاچاق است، یعنی

فعالان این بخش یا اقدام به اخذ مجوزهای لازم نمی‌کنند یا حقوق و عوارض دولتی را نمی‌پردازند و یا اقدام به خرید و فروش کالاهای ممنوع می‌کنند.  
(ب) تجارت خارجی که شامل صادرات و واردات کالا و خدمات می‌شود. این بخش از قاچاق نیز مورد توجه سیاستگذاران اقتصادی است (شادینا، ۱۳۸۴: ۷۴-۷۵).

## ۲. علل و عوامل موثر سیاسی قاچاق

در یک تقسیم کلی می‌توان عوامل موثر در قاچاق را به سه دسته تقسیم کرد. عوامل اقتصادی، عوامل فرهنگی اجتماعی و عوامل سیاسی.  
در این نوشتار به بررسی عوامل سیاسی قاچاق کالا می‌پردازیم.

### ۲-۱. عدم سیاستگذاری مناسب در الگوی مصرف

یکی از مهمترین زمینه‌های پیدایش قاچاق کالا در کشور ما تمایل مصرف‌کنندگان و الگوی مصرف در ایران تغییر کرده و کالاهای لوکس در سبد مصرف خانواده حتی با درآمد پایین نیز قرار گرفته است. اما جهت‌گیری صنعت برای پاسخگویی به این تغییرات متحوّل نشده است.

علاوه بر تصوّر ارزانی کالاهای خارجی و یا برتری آنها در مواردی ناکافی بودن تولیدات داخلی یا عدم تولید داخلی کالایی خاص موجب روی آوری مردم به خرید کالاهای خارجی می‌گردد که البته بخشی از این نیاز با قاچاق کالا تأمین می‌شود.

### ۲-۲. وضعیت کشورهای همسایه

یکی از علل عمده قاچاق وضعیت نابسامان تجارت خارجی کشورهای همسایه است. پاکستان تا کوئته مرکز بلوچستان حتی ایالت سند و پنجاب در دست عشایر است و یک حکومت متمرکز مستحکم وجود ندارد و مقامات محلی نیز توان کنترل واردات و

صادرات نسبت به ایران را ندارند.

مردم افغانستان در پی فقر گسترده از مدت‌ها پیش برای کار به ایران مهاجرت کرده‌اند ولی بیشتر به قاچاق مواد مخدر می‌پردازند. کمبود سوخت و آرد قاچاق این دو عامل را تشدید کرد؛ از سوی دیگر کالایی برای واردات ندارند که به ایران بدهند و تنها چینی‌آلات و چای را از طریق مرز زابل وارد ایران می‌کنند. قبل از انقلاب روزانه بین ۵۰ تا ۱۵۰ تانکر مواد نفتی از طرف دولت ایران از راه مجاز به افغانستان به عنوان کمک ارسال می‌شد.

ترکیه پیش از انقلاب هم دارای جیره‌بندی بنزین بود. مردم هم مرز با ایران در ترکیه فقیر و بیکار هستند و شبانه‌روز به قاچاق سوخت و آرد و دلار می‌پردازند. عراق که در رژیم بعث به علت تحریم نفتی دچار کمبود مواد غذایی و دارو بود، یکی از اهداف قاچاقچیان برای قاچاق مواد غذایی و شیرخشک بود و از آن سوی ویدئو و تلویزیون و برنج و چای و قند و شکر به صورت قاچاق به ایران وارد می‌شد.

کشورهای عرب حوزه خلیج فارس هم به علت درآمد کلان نفتی محدودیتی در منابع ارزی ندارند و ورود و خروج همه نوع کالا آزاد و ارز مورد نیاز مردم تأمین است و همین آزادی در واردات و صادرات آن‌ها را از تنظیم تجارت خارجی بی‌نیاز کرده است و آنچه از اجناس لوکس است از امارات وارد کشور ما می‌شود و فقط کالای سرمایه‌ای ارزی مثل فرش و زعفران و پسته وارد این کشورهای کوچک می‌شود که با رفاه نسبی که دارند به جز دویی خود مصرف کننده این نوع کالاها هستند و نیازی نیست که آن‌ها را به اروپا بفرستند.

اوضاع امنیتی برخی از استان‌های مرزی کشور و تأثیرپذیری قاچاقچیان از اوضاع و احوال حاکم بر کشورهای هم‌سایه و یا گروه‌های سیاسی خارجی، به تداوم قاچاق می‌انجامد. برای مثال، سازمان‌های اطلاعاتی برخی از کشورهای حوزه خلیج فارس از شبکه‌های قاچاق در قالب منابع جمع‌آوری اخبار بهره‌برداری می‌کنند یا در



پوشش‌های تجاری به فعالیت‌های اطلاعاتی می‌پردازند.

تردد منافقان و ضدانقلاب از استان‌های سیستان و بلوچستان و خوزستان سابقه‌ای دیرینه دارد. گروه‌های سیاسی نیز که روابط خوبی با نظام جمهوری اسلامی ندارند، گاه ابراز وجود می‌کنند. افغانستان از قاچاق‌خیزترین کشور جهان - که سالیان درازی است با ناامنی و بی‌ثباتی سیاسی دست و پنجه نرم می‌کند - نه تنها بنای مبارزه جدی با قاچاق را ندارد، بلکه چتر حمایتی خود را بر شبکه‌های قاچاق گسترانده است. (پژوهشکده علوم دفاعی استراتژیک: ۱۳۷۸: ۱۶-۱۷)

به این ترتیب می‌توان گفت شرایط امنیتی و سیاسی حاکم بر کشورهای اطراف و تغییرات پی در پی قدرت در جدار مرزها و مناطق مرزی خارج، تأثیراتی مهم بر سیاست‌ها و هدف‌گذاری‌های این کشورهای نسبت به قاچاق و روش مواجهه با آن دارد. دشمنی و تحریم‌های اقتصادی آمریکا با هدف لطمه زدن به امنیت و توان اقتصادی و سرمایه‌های ملی ایران و تسلط او بر برخی از دولت‌های منطقه و بی‌ثباتی این دولت‌ها و نداشتن عزم و اقتدار در مبارزه با قاچاق کالا، فراهم‌کننده شرایطی مساعد برای هجوم کالاهای غیرمجاز از مبادی این کشورها به مقصد ایران است. این در حالی است که هنوز موافقتنامه‌های مبارزه با قاچاق کالا با بسیاری از کشورهای همسایه منعقد نشده است.

## ۲-۳. بوروکراسی

بوروکراسی آفتی است که نظام اداری کشور به صورت گسترده از آن رنج می‌برد. این مساله در قاچاق نیز موثر است. میان گسترش قاچاق و دشواری‌های فراوان واردات و ترخیص کالا رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. هرگاه بوروکراسی زائد، غالب شود زمینه برای قاچاق سریع کالا فراهم می‌شود. وجود سه عنصر سرعت، سهولت و صرفه در همه مبادلات بازرگانی خارجی ضرورت دارد، اما در مبادلات قاچاق این عناصر دست‌یافتنی





تر از فعالیت‌های قانونی است. (نورمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۳۱-۱۳۳)

## ۴-۲. فساد اداری

نفوذ احتمالی در برخی از ادارات سبب سست شدن امر مبارزه و زمینه ساز گسترش آن خواهد شد. یکی از راههای نفوذ، خرید اسناد مثبته گمرکی از بازار آزاد از سوی قاچاقچی و تحویل آن به مأموران انتظامی یا گمرکی است. اگر این اسناد پذیرفته نشود، آنان با مراجعه به دادگاه از آن رفع ظن می‌کنند و بدین وسیله خود را از ضبط کالای قاچاق و پرداخت جریمه‌های می‌دهند. در گذشته واردات (قاچاق) بعضی از کالاها در انحصار افرادی بوده که با لابی به دست می‌آمده و بازار فروش این کالاها با افزایش تعرفه کالای مشابه یا اعلام ممنوعیت آن، حفظ می‌شده است. بدیهی است قاچاقچیان همواره سعی می‌کنند با وسوسه و تطمیع مأموران، راهی برای فرار از مجازات پیدا کنند (اقتصادیان، ۱۳۸۳، ۲۴)

تخلفات اداری، یکی از عوامل بسیار مهم گسترش قاچاق است. وزارت بازرگانی، برقراری نظامات کنترلی را خالی از فساد نمی‌داند، زیرا در نهایت، این افراد هستند که نظارت را برعهده دارند. فساد در نظام اداری به دریافت‌های نامشروع از عوامل رواج قاچاق تمایل نشان می‌دهد و در آمد اندک و پایین کارمندان نیز می‌تواند انگیزه‌ای برای همکاری با قاچاقچیان به حساب آید. (نورمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۳۵-۱۳۶)

حقوق و دستمزد اندک، ضعف آموزش بازرسان گمرک، آسیب‌پذیری مراکز نظامی (انتظامی) یا ضعف قوه قضائیه در مرزها بر جریان ورود و خروج کالا مؤثر است و رانتهایی کلان به وجود می‌آورد. (رهبر، ۱۳۸۱: ۲۷۲-۲۷۳)

## ۵-۲. قاچاق دولتی

تلفیق اقتصاد دولتی با قدرت سیاسی، به ویژه در نوع دیکتاتوری آن، زمینه‌ساز



فعالیت‌های غیررسمی است و به سیاستمداران و دیگر منتقدان جامعه امکان می‌دهد از نفوذ سیاسی، نظامی، اقتصادی یا حزبی خود سوء استفاده کنند. قاچاقی که نخبگان حاکم، فن‌سالاران و در کل اجزای تشکیل دهنده دولت و نزدیکان آن مرتکب می‌شوند گاه ابعادی وسیع دارد (شکیبایی و احمدی، ۱۳۷۸: ۱۷۲)

واردات بدون مجوز توسط برخی از دستگاه‌ها و فشار و نفوذ آنها برای رانت جویی، زمینه ساز قاچاق می‌شود. گاه سازمان‌های دولتی و غیردولتی که امکان عبور و مرور آنها از مرز بدون اجازه گمرک میسر است و امر واردات هم ارتباطی با وظایف آنان ندارد به توزیع محصولات خارجی در بازار داخل می‌پردازند. (فریوری، ۱۳۸۱: ۱۵۷)

به این ترتیب آمیخته شدن منافع سیاسی و اقتصادی سازمان‌های دولتی با قاچاق کالا و دخالت ارگان‌های غیراقتصادی (شبیبه به قاچاق) به پشتوانه حمایت‌های مختلف، حاصلی جز تضعیف مبارزه با عوامل قاچاق در پی نخواهد داشت.

## ۶-۲. مشکلات قانونی

قوانین مرتبط با قاچاق کالا غالباً در شرایط و زمان‌هایی خاص تدوین شده است و در حال حاضر، جوابگوی تغییرات حاصل در شکل و محتوای قاچاق و نیازهای کنونی نیست. بخشی از متون این قوانین به شکلی دچار سکوت، نقص یا ابهام است که احتمال گریز و سوء استفاده از آن به بهانه تفسیرهای شخصی وجود دارد. این اشکالات ساختاری، نقایص ظاهری و عدم شفافیت‌هاست که قوانین حاکم را در برخورد با قاچاق امروزی ناکافی و متزلزل می‌کند.

قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۷۴ و قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۵۰ از شاخص‌ترین قوانین وضع شده ایست که مرکز پژوهش‌های مجلس شورای

اسلامی، نارسایی‌های آنها را احصاء و اصلاح کرده است.

### ۳. پی جویی راهکار برای مبارزه با قاچاق در منابع فقهی

با بررسی منابع و متون فقهی به این نتیجه می‌رسیم که در فقه اسلامی راهکارهایی برای مبارزه با قاچاق وجود داشته که برخی از آنها در این نوشتار ذکر می‌گردد.

#### ۳-۱. تقویت امنیت مرزها

چنانکه گفته شد یکی از عوامل موثر بر قاچاق حفره‌های امنیتی موجود در مناطق مرزی است که سبب ورود بی سروصدای بسیاری از کالاهای قاچاق به داخل کشور می‌گردد. تقویت مرز و مرزداری در فقه اسلامی یکی از مهم‌ترین اموری است که در حوزه امنیت کشور اسلامی بدان توجه ویژه مبذول شده است. آنچه که سبب اهتمام دین به مرزها شده است به طور کلی مساله امنیت جامعه اسلامی بوده است چه در برابر تهدیدهای نظامی و چه در برابر تهدیدهای اقتصادی. بنابراین نباید تصور نمود که فقه فقط در برابر تهدید نظامی به تقویت امنیت مرزهای توصیه کرده است. به عبارت دیگر عنوان رابطه یا مرزداری در فقه اسلامی ارتباطی با مساله جنگ و حالت تعرض ندارد و منظور از آن تنها نگرهبانی و استعلام او ضاع مرزی است (رک: شیخ محمدحسن نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱: ۳۸) در اینجا به برخی از مهم‌ترین مبانی مرزداری در فقه اسلامی اشاره می‌کنیم. در حقیقت در این نصوص هم امر به مرزداری شده و هم فضیلت گرانسنگ آن یاد آورد گردیده است.

یکی از معروف‌ترین آیات قرآنی در این باره آیه ۲۰۰ آل عمران است که می‌فرماید:  
يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.  
ترجمه آیه: « ای کسانی که ایمان آورده‌اید شکیبایی پیشه سازید و پایداری ورزید و مرزها را پاس بدارید و از مخالفت با دستورات خدا پروا کنید شاید رستگار شوید و به بهشت و نعمت‌های جاودانه آن برسید»

در روایات فراوانی فضیلت مرزداری مورد گوشزد واقع شده است:



«یک روز مزداری در راه خدا از دنیا و آنچه در دنیا است بهتر است» (بخاری، ۱۳۷۱ ش، ۱۹۹۲ م، ج ۴، ص ۳۲).

«یک روز حفاظت از مرزهای کشور اسلامی بهتر است از پرداختن به این موضوع، هزار روز در غیر مرزها» (همان).

یک شب حفاظت از مرزهای کشور اسلامی بهتر است از اینکه شخص در خانه خود هزار سال روزها روزه بگیرد و شبها به شب زنده‌داری و تهجد بپردازد» (ابی داود، ۱۳۷۱ ش، ج ۳، ص ۱۲)

وَحُوطُوا قَوَاصِيَ الْإِسْلَامِ أَلَا تَرَوْنَ إِلَىٰ بِلَادِكُمْ تُغْزَىٰ وَإِلَىٰ صَفَائِكُمْ تُرْمَىٰ. (نهج البلاغه، خطبه ۲۳۸)

امام علی (ع): از مرزهای دور اسلام مرزبانی کنید، مگر نمی‌بینید که به شهرهاتان تاخت و تاز می‌شود و دژها تان آماج تیرها (ی دشمن) قرار می‌گیرد؟ این روایات علاوه بر یادآورد شدن فضیلت مزداری به دلالت تنبیه قیام مسلمانان به آن را نیز متذکر می‌شود و نشانگر اهمیت حفظ امنیت مرزهای اسلامی در برابر هر نوع تهدیدی می‌باشد. بی تردید امنیت اقتصادی جامعه اسلامی که قوام بخش‌های دیگر نیز می‌باشد و آرامش را بر جامعه حاکم می‌گرداند نیازمند سامان دهی امر مزداری و تقویت امنیت مرزهاست.

### ۲-۳. قاعده نفی سبیل و حرمت تسلط بیگانگان بر بازار اسلامی

بی تردید یکی از پیامدهای بی‌شمار شیوع قاچاق، تسلط کالاهای خارجی بر بازاری است که بایستی در اختیار تولیدکنندگان مسلمان جامعه اسلامی باشد. این مساله به تقویت بیگانگان و دشمنان اسلام و تضعیف اقتصادی جامعه اسلامی و در گذر به زمان نیازمندی و وابستگی کشور اسلامی به دولت‌های بیگانه منجر می‌شود. در فقه اسلامی هر آنچه موجب وابستگی به بیگانگان و غیرمسلمانان و تسلط آنان بر جامعه اسلامی گردد باید

ریشه‌کن گردد. از این مسأله تحت عنوان قاعده نفی سبیل که از آیه شریفه قرآن کریم ماخوذ است، یاد شده است. بر اساس این قاعده خداوند در قوانین و شریعت اسلام هیچ گونه راه نفوذ و تسلط کفار بر مسلمین را باز نگذاشته و هر گونه راه تسلط کافران بر مسلمانان را بسته است. پس کافر در هیچ زمینه‌ای شرعاً نمی‌تواند بر مسلمانان مسلط شود. هر گونه رابطه و اعمالی که منجر به تفوق کافران بر مسلمانان باشد، انجام آن بر مسلمانان، حرام می‌باشد. با قاطعیت می‌توان گفت: قاعده‌ی نفی سبیل در روابط خارجی اسلام و مسلمانان به اصطلاح حق و تو دارد. اگر یک قرارداد سیاسی و اقتصادی و نظامی و حتی فرهنگی به عنوان مقدمه و زمینه تسلط کفار بر مسلمین تلقی شود، قاعده‌ی نفی سبیل، آن قرارداد و مقوله را باطل می‌سازد. ادله گوناگونی برای این قاعده ذکر گردیده است.

یکی از مهمترین این ادله آیه شریفه «و لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً» (نساء: ۱۴۱)

با غض نظر از مباحث مختلفی که درباره این آیه مطرح شده است و در مفصّلات موجود است، این آیه در نهایت از منظر بسیاری از فقها به عنوان یکی از مستندات اصلی قاعده نفی سبیل پذیرفته شده است و بر اساس آن هر چه موجب نوعی تسلط بیگانگان بر بلاد اسلامی گردد باید مورد مقابله حکومت اسلامی قرار گیرد. در مورد روایات هم باید گفت، روایات فراوانی دلالت دارد که اسلام و مسلمانان از کافران برترند و کافر نمی‌تواند بر مسلمان تسلط و برتری یابد. این نبوی مشهور از آن جمله است:

الاسلام يعلو ولا يعلى عليه و الكفار بمنزلة الموتى لا يحجبون و لا يورثون؛ (صدوق، ۱۴۱۳ ق: ج ۴ ص ۳۳۴؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ ق: ج ۲۵، ص ۱۲۶)

اسلام دین برتر است و چیزی بر آن برتری نمی‌گیرد و کافران همانند بردگان اند که نه مانع ارث می‌شوند و نه ارث می‌برند.

این نکته را نیز باید یادآور شد که در برخی از نقل‌ها مانند آنچه در من لایحضره الفقیه آمده است تنها جمله الاسلام یعلو و لا یعلی علیه آمده است.

میرفتاح مراغی درباره دلالت این روایت بر نفی سبیل بیانی دارد، که فشرده آن چنین است:

اگر در دلالت روایت بر قاعده نفی سبیل، به فهم فقها که بزرگ‌ترین قرینه است بسنده شود بحثی نیست؛ زیرا آنان در موارد بسیار بدون هیچ اشکالی به دلالت روایت بر قاعده استدلال می‌کنند. اگر هم بخواهیم بر اساس قواعد حاکم بر الفاظ سخن بگوییم، باید گفت متعلق «الاسلام یعلو» محذوف است و مراد از آن مطلق غیر اسلام است و یا به قرینه مقابله اسلام با کفار، تنها کافران مد نظر هستند. در این صورت، جمله اول بر علو اسلام بر کافران دلالت دارد. این جمله همچنین بر عدم علو کافران و مساوی نبودن اسلام و کافران دلالت می‌کند. جمله دوم نیز از جهتی تأکید جمله اول است و از جهت دیگر دلالت بر این دارد که کافران بر اسلام علو و برتری ندارند. بنابراین، مدلول بخش اول عبارت است از علو اسلام و عدم علو کافران بر اسلام. جزء دوم نیز بر عدم علو کافران و نیز عدم برابری آنان با اسلام دلالت می‌کند. در نتیجه علو اسلام بر غیر خودش تمام خواهد بود. (مراغی، ۱۴۱۷ق: ج ۲ ص ۳۵۳)

علاوه بر آیات و روایات هم اجماع بر مفاد این قاعده اقامه گردیده است و هم عقل بدان حکم می‌کند. صاحب القواعد الفقهیه می‌نویسد:

الثالث هو الاجماع المحصل القطعی علی انه لیس هناک حکم مجهول فی الاسلام  
 یکون موجباً لتسلط الکافر علی المسلم بل جمیع الاحکام المجعلیه فیه روعی فیها علو  
 المسلمین علی غیرهم؛ (بجنوردی، ۱۴۱۹ق: ج ۱، ص ۱۹۷)

تقریر حکم عقلی نیز چنین است که شریعت اسلامی به عنوان شریعت خاتم جامع و

کاملترین شرایع است و بر این اساس بایستی تمامی نیازهای فرد و جامعه اسلامی در آن پیش بینی و پاسخ داده شده باشد. بنابراین بی شک هر چه که موجبات ذلت مسلمان در برابر کافر را موجب می‌گردد و سبب نیاز و دست درازی جامعه اسلامی که باید پرچمدار اسلام باشد و ندای اسلام را به همه جای عالم برساند، در این شریعت مردود است و از نظر اسلام بایستی در جهت مقابله با آن برخاست.

### ۳-۳. لزوم توسعه همکاری و هماهنگی با کشورهای همسایه بر پایه تعاون بر بر و تقوا

بر اساس آنچه در علل و عوامل سیاسی گسترش قاچاق گفته شد یکی از این عوامل وجود همسایگانی است که در این رابطه با کشور همکاری نمی‌کنند. اگر این کشورها در زمینه مبارزه با قاچاق همکاری کنند چه بسا بسیاری از راه‌های نفوذ قاچاقچیان به داخل کشور بسته گردد و حجم کالای قاچاق به صورت قابل توجهی کاهش خواهد یافت. بر این اساس یکی از راه‌های اساسی مبارزه با قاچاق توجه به ظرفیت‌های موجود در آن سوی مرزهاست. این مهم اهتمام گسترده دولتمردان و طراحی راهبردهای مشترک با همسایگان را می‌طلبد.

در نصوص دینی امر به تعاون بر بر و تقوی شده است. خداوند در آیه دوم سوره مائده می‌فرماید: تعاونوا علی البرّ و التقوی لا تعاونوا علی الاثم و العدوان.

مخاطب این آیه فرد و دولت اسلامی است و دلیلی ندارد که آن را فقط حمل بر توجیه خطاب به سوی فرد دانست. متعلق تعاون در آیه برّ و تقوی است. به این ترتیب هر چه که از مصادیق برّ و تقوی شمرده شود باید بر آن تعاون و همکاری گردد و هر چه مصادیق برّ و تعاون مهمتر و حیاتی تر باشد آیه شریفه با شدت بیشتری بر آن تاکید می‌کند. این نکته نیز روشن است که همکاری کشورهای مسلمان برای ریشه کردن منافذ فساد و از آن جمله قاچاق یکی از مصادیق مهم برّ است. لذا باید کشورهای مسلمان برای این مساله به طراحی برنامه‌های بلند مدت و کوتاه مدت بپردازند و



روشن است که شانه خالی کردن از پرداختن به این مساله، از مصادیق بارز تعاون بر اثم و عدوان است. هرچند که این دیدگاه مبتنی بر این است که اعانه بر اثم شامل ترک فعل نیز باشد. زیرا در صورتی که دولت‌های مسلمان به وظیفه خود عمل نکنند ترک فعلی محقق شده است که زمینه ساز فساد و قاچاق می‌شود. اگرچه دیدگاه صحیح آن است که ترک فعل نیز می‌تواند از مصادیق اعانه بر اثم محسوب گردد.<sup>۱</sup>

### ۴-۳. احترام به مالکیت خصوصی و عدم ایجاد مانع بر سر راه فعالیت‌های تولیدی

قوانین دست و پا گیر و بوروکراسی‌های بیهوده خود از عوامل روی آوردن به قاچاق است. در حقیقت سخت‌گیری بیش از حد برای راه اندازی و فعالیت‌های واحدهای تولیدی و عدم حمایت دولت از آنها می‌تواند اشخاص را به پرداختن به قاچاق که فعالیتی بسیار سودآور با زحمتی بسیار کمتر از تولید است سوق دهد. در فقه اسلام مالکیت خصوصی محترم شمرده شده و اشخاص می‌توانند به هرگونه فعالیت اقتصادی مجاز و مشروع با سرمایه خود بپردازند. مالکیت خصوصی در مواردی می‌تواند محدود شود مانند آنکه بهره‌بری از مالکیت خصوصی موجب تجاوز به حقوق دیگران شود. اما نمی‌توان به هر دلیلی این مالکیت را محدود ساخت. زمانی که شخصی به راه‌اندازی واحدی تولیدی اقدام می‌کند نباید حق او را در این زمینه بیش از حد محدود ساخت و با قوانین و بوروکراسی‌هایی که رونق اقتصادی جامعه اسلامی را مانع می‌گردد، او را از این حق طبیعی خویش محدود ساخت.

در فقه اسلامی از این مساله با عنوان قاعده تسلط یا تسلیط یاد گردیده است. مفاد قاعده این است که هر مالکی، نسبت به مال خود تسلط کامل دارد و می‌تواند در آن

۱. در مقاله‌ای تحت عنوان وجوه افتراق و اشتراک سبب و معین در دو قاعده فقهی اعانه بر اثم و تسبیب این مساله را ثابت نموده‌ام.



هر گونه تصرفی اعم از مادی و حقوقی بکند، و هیچ کس نمی‌تواند او را بدون مجوز شرعی از تصرفات منع کند. به عبارت دیگر، به موجب این قاعده، اصل بر آن است که همه گونه تصرفات برای مالک مجاز است، مگر آن که به موجب دلیل شرعی خلاف آن ثابت گردد. (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۲۲۷)

این قاعده نیز دارای مستندات فراوانی است و جای جای کتب فقهی پر است از فروعاتی که دلالت روشنی بر مفاد آن دارند. (میانجی، ۱۴۲۴ق: ۲۹-۱۵۱)

۱. شاید مشهورترین مستند این قاعده کلامی باشد که از رسول خدا نقل شده است: «الناس مسلطون علی اموالهم» (ابن ابی جمهور احسائی، ۱۴۰۵ق: ج ۱ ص ۴۵۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲ ص ۲۷۲)؛ یعنی مردم بر اموال خویش مسلط هستند.

دلالت این روایت بر مدلول قاعده صریح است. اما مشکل اساسی سند آن است که مرسل است. اما چنان که در جای خود ثابت شده است صرف اینکه روایتی از نوع مرسل بود نباید باعث گردد به یک سو نهاده شود. چرا که اموری می‌تواند جابر ضعف آن به شمار آید. یکی از این امور عمل فقها و استناد آنان به این حدیث است که می‌تواند جبرانگر ضعف سند باشد. علاوه بر این ارتکاز عقلایی نیز موید مفاد این روایت است. چرا که این حدیث در پی تاسیس یک اصل جدید نیست و نکته تازه و ناشناخته‌ای را بیان نمی‌کند؛ بلکه همان چیزی که ارتکاز عقلایی بر آن استوار است و در میان ملل و نحل مختلف پذیرفته شده است را بیان می‌دارد و روشن است که در این موارد داعی برای جعل روایت وجود ندارد. در کنار این نکات باید دانست که مضمون این روایت در روایت دیگری هم آمده است و می‌توان ادعا نمود تواتر معنوی بر مفاد این روایت وجود دارد.

از جمله می‌توان به این دو روایت اشاره نمود:

۲. سماعه از امام صادق علیه السلام می‌پرسد: آیا شخص صاحب اولاد می‌تواند مال خود را به خوی‌شاوند [غیر وارث] خود واگذار کند؟ حضرت در پاسخ فرمودند:



«هو ماله، یصنع ما شاء به الی ان یأتیة الموت» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۷ ص ۸)، یعنی مال از آن او است، و مادام که زنده است هر کاری که بخواهد می‌تواند با آن بکند. سلطه و اختیار مالک نسبت به مال خود به خوبی از این روایت استنباط می‌شود.

۳. ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل کرده است: «ان لصاحب المال ان یعمل بماله ما شاء مادام حیاً، ان شاء وهبه، و ان شاء تصدق به و ان شاء ترکه الی ان یأتیة الموت» (شیخ طوسی، ج ۹ ص ۱۸۸) یعنی صاحب مال (مالک) مادام که زنده است هر کاری که بخواهد می‌تواند نسبت به مال خود انجام دهد، اگر بخواهد آن را هبه می‌کند و اگر مایل بود آن را صدقه می‌دهد و اگر خواست آن را به حال خود رها می‌کند تا آن که مرگ به سراغ او بیاید.

این ادله در کنار ادله فراوان دیگری که هم در مطاوی کتب فقهی و هم در مستندات قاعده تسلط در کتب قواعد فقهی آمده است هیچ تردیدی باقی نمی‌گذارد که مالکیت خصوصی در اسلام مورد احترام است و محدودیت‌های غیر ضروری که مانع استفاده تولیدگران از حق شرعی خویش است، نا مشروع و حرام است.

### ۳-۵. تعیین عادلانه تعرفه‌های گمرکی

یکی دیگر اموری که باعث بی‌انگیزه شدن واردکنندگان برای واردات از مجاری قانونی و روی آوردن به قاچاق می‌شود، تعرفه‌های بالای گمرکی است که بعضاً بر اساسی غیر از عدالت تعیین می‌شود.

اصل وجود تعرفه‌های گمرکی امری ضروری است و می‌تواند به اقتصاد داخلی کمک شایانی کند اما سخن در نحوه تعیین این تعرفه‌هاست که اگر عادلانه وضع و تعیین شود مسلماً بسیاری از کسانی را که به قاچاق کالا روی آورنده‌اند، تشویق به وارد کردن از گمرکات و به شکل قانونی می‌کند. و بالعکس آنچنانکه در حال حاضر می‌بینیم تعرفه‌های بالا و غیر عادلانه اشخاص را به پذیرش ریسک قاچاق و خطر

کردن برای کسب سود بسیار بیشتر وامی دارد.

در دوره معاصر توجه فقها به مساله عدل بیش از پیش جلب شده و حتی در قامت یک قاعده فقهی بسیار مهم و راهگشا بدان نگریسته شده است.

شهید مطهری درباره قاعده عدالت می گوید:

اصل عدالت از مقیاس های اسلام است که باید دید چه چیزی بر او منطبق می شود، عدالت در سلسله علل احکام است نه در سلسله معلولات، نه این است که آنچه دین گفت عدل است، بلکه آنچه عدل است دین می گوید. (مرتضی مطهری، ۱۴۰۹ق: ۱۴) به تعبیر دیگر: «عدل حاکم بر احکام است نه تابع احکام، عدل اسلامی نیست بلکه اسلام عادلانه است. (عبدالکریم سروش، ۱۳۶۷: ۴۷)

امام خمینی نیز به قاعده و معیار بودن عدالت اشاره داشته اند:

... زیرا اجرای قوانین بر معیار قسط و عدل و جلوگیری از ستمگران و حکومت جائرانه و بسط عدالت فردی و اجتماعی و منع از فساد و فحشاء و انواع کجروی ها و آزادی بر معیار عقل و عدل و استقلال و خودکفایی و جلوگیری از استعمار و استثمار و استعباد و حدود و قصاص و تعزیرات بر میزان عقل و عدل و انصاف، و صدها از این قبیل، چیزهایی نیست که با مرور زمان در طول تاریخ بشر و زندگی اجتماعی کهنه شود، این دعوا مشابه آن است که گفته شود قواعد عقلی و ریاضی در قرن حاضر باید عوض شود و به جای آن قواعد دیگر نشانده شود. (امام خمینی، صحیفه نور، ج ۲۱ ص ۱۷۷)

حقیقت آن است که عدالت تشریحی اصلی اساسی و قاعده ای فراگیر است و در نصوص دینی یکی از اموری است که مورد تاکید جدی قرار گرفته است که به برخی از این مستندات اشاره می کنیم.

خداوند در کتابش خود را فرمان دهنده به عدل و احسان شمرده است:

«ان الله یامر بالعدل و الاحسان و ایتاء ذی القربی» (نحل: ۹۰)



به راستی که خدا به دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان دستور می‌دهد.  
و نیز هدف از رسالت انبیا را قیام مردم به قسط دانسته است  
«انا ارسلنا رسلنا بالبينات و انزلنا معهم الكتاب و الميزان ليقوم الناس بالقسط»  
(حدید: ۲۵)

به راستی ما پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را  
فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند. قیام به قسط در صورتی حاصل است که  
تشریح و تدبیر بر پایه قسط باشد و نیز منش زندگی مردم، عادلانه گردد.  
در هر یک از این سه عرصه، اگر خللی حاصل شود، دیگر قیام به قسط صورت  
نمی‌پذیرد. البته روشن است که عرصه تقنین و تشریح چون به خداوند برمی‌گردد،  
قطعاً خلل ناپذیر است. بنابراین تشریح و تقنین عادلانه است. در روایات نیز تاکید  
فراوانی بر معیار بودن عدالت شده است:

از پیامبر خدا نقل است که:

العدل میزان الله في الارض فمن اخذه قاده الى الجنة ومن تركه ساقه الى النار.  
(میرزای نوری، ۱۴۰۸ق: ج ۱۱ ص ۳۱۷)

عدالت میزان و ترازوی خداوند در زمین است، هر که آن را دریابد به بهشت او را  
سوق دهد، و هر که آن را رها سازد به دوزخ او را می‌کشاند.

از امیرالمومنین علیه السلام نیز کلامی در این باره نقل شده است:

ان العدل میزان الله سبحانه الذي وضعه في الخلق و نصبه لاقامة الحق فلا تخالفه  
في ميزانه و لا تعارضه في سلطانه. (آمدی، ۱۳۶۶ق: ۹۹)

عدالت، ترازوی خداوند است که برای بندگان نهاد، و برای اقامه حق آن را نصب  
کرد، خداوند را در ترازویش نافرمانی نکنید و با سلطنت او معارضه نکنید.

این آیات و روایات قطره‌ای است از دریا و نگاهی به نصوص دینی انسان را به این  
نتیجه می‌رساند که اصل عدل از اصول اساسی اسلام است که هم در احکام فقهی منظور

گردیده است و هم فقیه می‌تواند با رعایت ضوابط فقهی بدان استناد کند. بر این اساس می‌توان ادعا نمود که تعیین تعرفه‌های ناعادلانه از نظر فقه اسلامی مردود و حرام است و دولت اسلامی باید در راستای رعایت عدالت و تشویق واردکنندگان کالا به روی آوردن به واردات قانونی تعرفه‌های گمرکی که را عادلانه و بر اساس انصاف تعیین کند تا هم واردکنندگان ضرر نکنند و هم مصرف‌کنندگان به جای خرید کالاهای قاچاق کالایی ارزان که با رعایت کامل ضوابط قانونی وارد کشور شده است را بتوانند تهیه کنند.

### نتیجه‌گیری

قاچاق کالا عوامل فراوانی دارد. برخی از این عوامل در زمره امور سیاسی است. فساد اداری، بوروکراسی، قاچاق دولتی، وضعیت نامناسب کشورهای همسایه در مبارزه با قاچاق و عدم سیاست گذاری صحیح در اصلاح الگوی مصرف از آن جمله اند. فقه اسلامی که فقهی پویا بوده و بر اساس باورهای کلامی برای هر زمان و مکانی برنامه ای ویژه داشته و توانایی کامل همراهی با تغییرات گسترده در طول زمان را دارا می‌باشد در این حوزه نیز بی برنامه نبوده و با پی‌جویی متون و منابع فقهی می‌توان به راهکارهایی فقهی در این زمینه دست یافت. همانگونه که گذشت قواعد فقهی و عموماً فراگیر در کتاب و سنت موجود است که می‌توان از آن به عنوان راهبردهایی فقهی برای مبارزه با قاچاق کالا یاد کرد. در این نوشتار تنها به برخی از این راهکارها در حد گنجایش یک مقاله اشاره شد و با تتبع بیشتر در منابع قطعاً امور دیگری که در مبارزه با قاچاق موثر باشد قابل دستیابی است.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶، قم.
۴. احسائی، ابن ابی جمهور، عوالی الثالی، دار سید الشهداء للنشر، ۱۴۰۵ق، قم.
۵. اقتصادیان، محمدرضا، بررسی عوامل مؤثر بر قاچاق کالا در ایران، مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۳، تهران.
۶. ایروانی، علی بن عبدالحسین نجفی، حاشیه المکاسب، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۰۶ق، تهران.
۷. بجنوردی، میرزا حسن، القواعد الفقهیه، نشر الهادی، ۱۴۱۹ق، قم.
۸. بخاری، محمد بن اسماعیل، الجامع الصحیح، دار الفکر ۱۹۹۲م، بیروت.
۹. پژوهشکده علوم دفاعی استراتژیک، محیط امنیتی استان‌های سیستان و بلوچستان و کرمان، دانشگاه امام حسین (ع)، تهران.
۱۰. پژوهشگران، جمشید و مداح، مجید، بررسی اقتصادی قاچاق در ایران، پژوهشنامه اقتصادی، ش ۲۰، بهار ۸۵.
۱۱. خلیلیان، صادق، ریشه‌های قاچاق و راه‌های مقابله، روزنامه اطلاعات، سوم مرداد ماه ۱۳۸۰.
۱۲. خمینی، سید روح الله، صحیفه نور، دفتر تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران.
۱۳. رهبر، فرهاد و دیگران، بازشناسی عارضه فساد مالی، نشر جهان، ۱۳۸۱، تهران.
۱۴. سجستانی، ابو داوود سلیمان بن اشعث السجستانی الازدی، اسنن، دار الجلیل، ۱۹۹۲م، بیروت.
۱۵. سروش، عبدالکریم، روشنفکری و دینداری، نشر پویه، ۱۳۶۷، تهران.
۱۶. شادینیا، هو شنگ، بررسی علل قاچاق کالا، علل موجود و افزایش آن، مجله نگهبان، شماره هشتاد و هشت و هشتاد و نه، ۱۳۸۴، مرداد ماه.
۱۷. شکیبایی، علیرضا و علی محمد احمدی، قاچاق کالا علل آثار و شاخص‌های اندازه

- گیری آن، مجموعه مقالات سومین همایش پدیده قاچاق کالا و راه‌های پیشگیری از آن، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
۱۸. صدر، سید محمد باقر، *اقتصادنا*، مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیه للشهید الصدر، ۱۴۲۴ق، قم.
۱۹. \_\_\_\_\_، *الاسلام یقود الحیاه*، وزارة الارشاد الاسلامی، ۱۴۰۳ق، طهران
۲۰. صدوق، محمد بن علی، *من لا یحضره الفقیه*، دفتر تبلیغات اسلامی وابسته به حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴ق، قم.
۲۱. طوسی، محمد بن حسن، *تهذیب الاحکام*، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق، تهران.
۲۲. عاملی، شیخ حر، *وسائل الشیعه*، موسسه آل‌البت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق، قم.
۲۳. عمید، حسن، *فرهنگ عمید*، سپهر، ۱۳۶۳، بی‌جا.
۲۴. فریوری، محمدرضا، *شناخت راهکارهای اقتصادی مبارزه با قاچاق*، مجموعه مقالات همایش قاچاق کالا مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۸۱، تهران.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق، تهران.
۲۶. مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق، بیروت.
۲۷. محقق داماد، مصطفی، *قواعد فقه*، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۴۰۶ق، تهران.
۲۸. مراغی، میر عبدالفتاح، *العناوین الفقهیه*، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق، قم.
۲۹. مطهری، مرتضی، *مبانی اقتصاد اسلامی*، انتشارات حکمت، ۱۴۰۹ق، تهران.
۳۰. میانجی، علی احمدی، *مالکیت خصوصی در اسلام*، نشر دادگستر، ۱۴۲۴ق، تهران.
۳۱. نجفی، شیخ محمد حسن، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ق، بیروت.
۳۲. نورمحمدی، خسرو، *بررسی‌های قاچاق کالا و راهکارهای هدایت فعال تهای قاچاق در مسیرهای قانونی و رسمی*، جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، ۱۳۸۳، تهران.
۳۳. نوری، میرزا حسین، *مستدرک الوسائل*، موسسه آل‌البت علیهم السلام، ۱۴۰۸ق، قم.